

Original Article

Ethical principles joy of Quranic Verses and Traditions

Sayyed Ziaodin Olyanasab¹, Sayyed Mortaza Olyanasab^{2*}, Mahdi Taghavi Azar Sharabiyany³

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

2. Graduate student, Department of Islamic ethics, Islamic University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: oliyanasab1365@yahoo.com

3. Master of Philosophy and Theology, martyr Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 14 Aug 2016 Accepted: 26 Oct 2016

Abstract

Background and Aim: Thrill of joy, good human beings that sometimes praise and blame associated with moral and ethical challenge faced is always going to extremes. To solve this challenge, it should be clear criteria, to adapt the applications to be determined. The aim of this study was to explain the ethics of happiness from the perspective of verses and Hadiths Imams (Slamallh Bayt) is.

Materials and Methods: In this cross-sectional study done by relying on Islamic sources.

Finding: In the Holy Quran and traditions mechanisms for happiness and its moral principles and mechanisms are provided.

Conclusion: Ethical principles include the modification motivation joy, remembrance of Allah, piety, trust, hope, transcendence, sugar and Khrtgrayy. ShnhY with adherence to their belief and practice, will be happy with moral values. Islamic ethical teachings not only prevent but also seeks the happiness of the reform HmhY believers and their belief in a monotheistic attitude towards happiness and God can make. The principles outlined moral guarantor of happiness that is both religious and worldly happiness and happy world for them to follow.

Keywords: Islamic Ethics; Ethics Happiness; Happiness; Ethics

Please cite this article as: Olyanasab SZ, Olyanasab SM, Taghavi Shrbiany M. Ethical principles joy of Quranic Verses and Traditions. *Iran J Bioethics* 2017; 6(22): 81-98.

اصول اخلاقی شادی از دیدگاه آیات و روایات

سیدضیاءالدین علیاناسب^۱، سیدمرتضی علیاناسب^{۲*}، مهدی تقوی آذر شریانی^۳

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: oliyanasab1365@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد فلسفه و کلام، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۵

چکیده

زمینه و هدف: هیجان شادی، مطلوب آدمیان است که گاهی مورد ستایش و در مواردی همراه با ذم اخلاقی، همواره با افراط و تفریط و چالش اخلاقی رو به رو بوده است. برای حل این چالش، باید معیارهای روشنی، جهت تطبیق بر مصادیق تعیین شود. هدف این پژوهش تبیین اصول اخلاقی شادی از دیدگاه آیات و روایات معصومان (سلام الله علیهم) است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با اتکای به بررسی منابع اسلامی صورت می‌پذیرد.

یافته‌ها: در قرآن و روایات معصومین ساز و کارهایی برای شادی و اصول اخلاقی آن ساز و کارهایی ارائه شده است.

نتیجه‌گیری: اصول اخلاقی شادی عبارت‌اند از اصلاح انگیزه، یاد خدا، تقوی، توکل، امید، تعالی، شکر و آخرت‌گرایی. با پایبندی به آن‌ها در صحنه اعتقاد و عمل، شادی دارای ارزش اخلاقی خواهد بود. آموزه‌های اخلاقی اسلام نه تنها مانع شادی و نشاط نیست، بلکه می‌کوشد همه مؤمنان را از درون اصلاح نموده و باور آن‌ها را نسبت به شادی با یک نگرش توحیدی و الهی همراه سازد. اصول مطرح‌شده ضامن شادی اخلاقی افراد است که هم سعادت دینی و اخروی و هم خوشبختی و شادمانی دنیایی ایشان را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی؛ اخلاق شادی؛ شادی؛ اخلاق

مقدمه

حالات روانی آدمی همچون شادی، غم، عشق، نفرت، ترس و امید به عنوان یک فعل درونی دارای اثر، قابل ارزیابی اخلاقی هستند. عدم ورود مسأله شادی، به دستگاه اخلاقی جهت ارائه الگوهای اخلاقی، تردید در مطلوبیت اخلاقی این حس مطلوب را به دنبال داشت. پس از پژوهش‌های متعدد، تردید برطرف گردیده، لکن این مسأله همچنان باقی است که یک فرد مؤمن در سبک زندگی توحید محور، با مسائل و چالش‌های اخلاقی مربوط به این هیجان چگونه رو به رو شود؟ در مقاله اصل شادی ارزشمند تلقی شده و محقق درصدد پاسخ به این پرسش هست که اصول ایمان بنیان اخلاق شادی جهت نیل به شادی اخلاقی و توحیدمحور کدامند؟

بی‌شک نبود الگوهای اخلاقی مشخص در مقوله شادی، عامل برخی بی‌اخلاقی‌های فردی و گروهی بوده و عده‌ای نیز با انگیزه‌های اخلاقی، سعی در کناره‌گیری از این پدیده ارزشمند خدادادی می‌کنند. هدف و انگیزه اصلی محقق، پاسخ به این سؤال علمی - اخلاقی بوده تا افراد و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی تکلیف اخلاقی و دینی خود را با تکیه بر این الگوها تشخیص دهند.

به طور کلی حوزه حالات روانی و درونی انسان بر عهده علم روانشناسی بوده و محققان علاقه چندانی به مطالعه اخلاقی در مقوله انفعالات درونی افراد نشان نداده‌اند، البته شادی در دیدگاه قرآن و روایات تحت عناوین مختلف، مفهوم مورد توجه پژوهشگران دینی است. از جمله غلامرضا زینی ملک‌آباد و همکاران مفهوم شادی و مصادیق ممدوح و مذموم شادی را از نگاه قرآن تحقیق کرده و شادی را از نگاه دین، مثبت ارزیابی کرده است. مردانی نوکنده ضمن بیان رازهای ده‌گانه شادزیستن، برخی از عناصر شادی‌آفرین را از نگاه دینی بیان کرده است. کیانی‌نژاد، در رساله کارشناسی ارشد، عوامل نشاط و شادمانی را از منظر اخلاق اسلامی تحقیق کرده و بر نگرش توحیدی در شادی تأکید نموده است و هادی‌پرهیزگار در رساله کارشناسی ارشد، خاستگاه شادی، عوامل مؤثر در شادمانی و آثار و نتایج آن را از دیدگاه اسلام بررسی نموده است.

با بررسی پژوهش‌های دینی انجام گرفته در خصوص شادی می‌توان گفت محققانی که با تقسیم شادی به دو قسم ممدوح و مذموم سعی نموده‌اند، جنبه اخلاقی این مقوله را در نظر گرفته باشند، عموماً به مناقشه در مثال دچار شده و به بررسی مصادیق (نه اصول) شادی در آیات و روایات اکتفا کرده و دسته‌ای از پژوهش‌ها نیز درصدد اثبات مطلوبیت اصل شادی از نظر دینی‌اند. در این میان فقط پژوهش کیانی‌نیا با رویکردی اخلاقی بر اصل توحیدمحوری توجه نموده است. پژوهش حاضر با نگاه متفاوت، اصولی و علمی به این مقوله، اصول اخلاق شادی را بر اساس منابع قرآنی، روایی و اخلاقی استنباط و ارائه نموده است. محقق اصول اخلاقی ایمان‌بنیان شادی را با رویکرد توحید محور (نظریات علامه طباطبایی) در بستر نظام ارزشی اسلام مورد مطالعه قرار داده است. طراحی اصول اخلاقی، به نوبه خود یک نوآوری مهم در مسأله شادی باشد.

مفهوم‌شناسی

جهت گرفتارنشدن در مغالطه، لازم است واژگان «اخلاق»، «اصول اخلاق شادی» و «شادی» از نظر لغوی و اصطلاحی مورد دقت قرار گیرد:

۱- اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است که به معنای سرشت، سنجیه، عادت، خوی و... به کار رفته است (۱). اخلاق ویژگی‌های پسندیده و نکوهیده را شامل است. شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین فیلسوفان اخلاق، عبارت است از صفات و هیأت‌های پایدار در نفس که افعال متناسب با آن‌ها بدون تأمل و تفکر از انسان سر می‌زند. از منظر مرحوم فیض کاشانی اخلاق، هیأتی است استوار و راسخ در جان است که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می‌شوند. اگر این هیأت به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از نظر عقل و شرع، از آن صادر شود، آن را اخلاق نیک نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر شود، آن را اخلاق بد گویند (۲).

در علم اخلاق از انواع فضایل و رذایل و چگونگی اکتساب و اجتناب آن‌ها و بحث می‌شود. از آنجایی که صفات نیک و زشت انسان، رفتارهایی را به دنبال دارند، در علم اخلاق مورد مطالعه قرار می‌گیرند. مرحوم نراقی در این باره می‌گوید: «علم اخلاق عبارت است از دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی متصف شدن به صفات نجات‌بخش و رهایی از صفات هلاک‌کننده» (۳).

۲- اصول اخلاقی

اصول اخلاقی هر مسأله اخلاقی از علم اخلاق برگرفته می‌شود. هر نظریه اخلاقی از جمله اخلاق اسلامی، ارزش‌ها و اصولی را در خصوص هر یک از رفتارهای فردی و اجتماعی افراد جهت اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل به کار می‌بندد (۴). اصول ثابت و کلی بوده و در تمام مصادیق مسأله مربوط جایگاه دارند. بر این اساس، می‌توان در هر مسأله اخلاقی، اخلاق آن حوزه رفتاری و «اصول اخلاقی» آن را مطرح نمود. اصول مورد نظر، در بستر عنوان کلی‌تری به نام «اخلاق شادی» که به مطالعه ارزش‌های حاکم بر عمل شادی می‌پردازد، قرار دارد. از این نگاه، هر دو تعبیر اصول اخلاق یا اصول اخلاقی، به یک معنا دلالت دارند. همچنین اصول اخلاقی با فضایل اخلاقی نیز در تلازمند. انسان پایبند به اصول اخلاقی به مرور آراسته به فضایل می‌شود. این قواعد به لحاظ هنجاری و دستوری بودن، اصول اخلاقی و به جهت تحقق یافتن در شخص، فضایل اخلاقی نام دارند.

۳- شادی

واژه‌های خوش و خرم، سرور، خشنودی، خوشحالی در مفهوم شادی مطرح شده است (۵). شادی در مقابل غم و اندوه قرار دارد (۶). آیزنگ در کتاب «روانشناسی شادی» لذت‌های بدون درد را شادی می‌داند (۷). واژگانی مانند فرح، مرح، سرور، نشاط و بطر در عربی به معنای شادی‌اند. راغب گوید: بطر به معنای شادی باطل است و نیز به معنای شیفتگی و سرگردانی ناشی از سوء استفاده از نعمت‌ها، سرمستی و شادی از ثروت دنیا است (۸). بطر حالت سرکشی ناشی از داشته‌ها و نعمت‌ها را گویند و مرح در مورد شادی بیش از اندازه و باطل به کار

رفته است (۹). به نظر علامه طباطبایی، بطر لازمه فرح و خوشی از ثروت دنیا و خوشحالی بیش از حد است که آخرت را از یاد می‌برد (۱۰). قرشی گوید: فرح شادی موجب تکبر است. سرور و حبور از تفکر ناشی است و فرح از قوه شهوت (۱۱). حالت بطر اگر بیشتر اوقات بر احوال انسان غلبه داشته باشد، ناپسند است و آن را به فرح تعبیر می‌کنند، چنانکه خدای تعالی فرماید در آیه ۷۶ سوره قصص می‌فرماید: «خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.» هر گاه به اندازه لازم و در جای خود باشد، پسندیده است چنانکه خدای فرماید: «[مؤمنان] باید شاد شوند» (یونس: ۵۸)، زیرا فرح در اینجا ناشی از سرور و شادی بر حسب حکم عقل است (۱۲).

با بررسی این مفهوم در قرآن کریم روشن شد که واژگان مرادف نیز، با اندک تفاوتی در کیفیت و آثار در همین مفهوم به کار می‌روند. قرآن، نگاه ارزش داورانه به شادی دارد و آن را نه فقط به عنوان حس مثبت و بدون توجه به پیش و پس آن، بلکه بسته به اسباب، آثار و کیفیت آن ارزیابی اخلاقی می‌کند. در این مقاله نیز شادمانی بیش از یک انبساط خاطر و احساس گشودگی درونی مورد بحث است.

خاستگاه اخلاق شادی

قبل از ورود به بحث اصول و معیارها، لازم است جایگاه شادی با جهت‌گیری الهی روشن شود. بی‌تردید رسالت پیامبر (ص)، زندگی انسان را بر اساس فطرت آدمی به سوی مکارم اخلاق و توحید مداری هدایت می‌کند. همچنین روش اسلام برای اصلاح اخلاق بر اساس توحید خالص و کامل بنا شده است. از این رو قرآن، انسان‌ها را از نظر طرز تفکر و اوصاف، طوری تربیت کرده و دل‌ها را آن چنان با علوم و معارف توحیدی پر نموده که جایی برای رذایل اخلاقی باقی نگذاشته است (۱۳). التزام فرد مؤمن به مجموعه معارف دینی، به ابعاد زندگی وی از جمله غم و شادی جهت الهی بخشیده و سعادت ابدی‌اش را تضمین می‌کند. بر این اساس، خدای تعالی، هر ترس و اندوهی را از نیکوکاران که رو به سوی او نموده‌اند، نفی کرده و می‌فرماید: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ

شادی نمودن نداشته و کاملاً بی جا و منفی است و حالت دوم نیز رنگ الهی و ایمانی دارد و با ارزش ترین نوع شادی است. حالت سوم خالی از چالش نیست.

ترسیم چالش اخلاقی و ارائه راه کار

در این میان حالت سوم برای شادی متصور است که محل بحث و نزاع بوده و همواره عده ای با انحصارگرایی و مناقشه در مثال های قرآنی دچار افراط و تفریط در مدح و ذم شادی شدند و هیچ گاه معیار روشنی برای تشخیص مصادیق خوب و بد شادی ارائه نکردند، البته این قسم شادی بسیار چالش انگیز و مستعد بروز فضایل و رذایل اخلاقی است. بدون در دست داشتن معیار، پرداختن به این شادی، تیری در تاریکی است که ممکن است سبب بروز رذایل و برخی آسیب های اخلاقی و اجتماعی شود.

شادی حاصل از نعمت های مادی از این قسم است و طبع آدمی نیز از داشتن آن ها شادمان می شود، ولی نه به طور قطع می توان ادعا کرد که این شادی باطل و بی جا است و نه حکم کلی به حقانیت همه مصادیق این نوع شادمانی ها صادر کرد، چراکه به خودی خود بارگذاری ارزشی نمی شوند. اکنون چه باید کرد؟ حال چاره کار در چیست؟ اگر بخواهیم جامعه ای شاد و آرام و در عین اخلاق محور داشته باشیم؟ بدون شک کنار گذاشتن آن به حکم احتیاط، جفایی جبران ناپذیر در خصوص این موهبت الهی است. رهاشدن در آن به حکم برائت نیز نوعی بی مبالایی اخلاقی است که آسیب های آن نیز بر فرد و اجتماع، غیر قابل جبران خواهد بود. به نظر می رسد برای حل این چالش، نیازمند اصول و ملاک های دقیق تری هستیم که بتوان مصادیق منفی و مثبت را از هم تفکیک نمود. باید گفت تعیین کننده نمره اخلاقی این شادی، میزان انطباق بینش و عمل فرد با اصول اخلاقی شادی است. در حقیقت نوع برخورد بینشی و عملی انسان نسبت به عاملی که موجب شادمانی او می شود، تعیین کننده این ارزش گذاری است.

بنابراین سخن در گونه ای از شادی است که به جهت عوامل و آثار آن، نمی توان حکم قطعی به خوبی و بدی آن داشت و یک شخص متدین ناگزیر از اتکا به اصولی متقن

عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسی که روی خود برای خدا رام سازد و در عین حال نیکوکار هم بوده باشد، اجرش نزد پروردگارش محفوظ خواهد بود و اندوهی و ترسی نخواهد داشت» (بقره: ۱۲). قرآن کریم به منظور برآوردن سعادت ابدی انسان ها به غم و شادی مؤمنان جهتی الهی داده و تصریح می کند که انسان ها برای در امان ماندن از هر گونه ترس و اندوه و برای رسیدن به امنیت و شادی باید در صحنه اعتقاد و عمل رویکرد الهی در پیش گیرند.

لازمه توحید و باور به معاد این است که انسان هر زمان و هر جا که باشد، از نظر روحی، ملزم به احسان و دوری از بدی ها باشد، چه این که ستایشگری، او را بر این اخلاق پسندیده ستایش بکند یا نکند یا کسی با او باشد که بر آن وادارد یا از آن بازش بدارد؛ در هر حالتی مؤمن، خدا را ناظر اعمال و خود را نسبت بدان ها پاسخگو می داند (۱۴)، پس علاوه بر حسن فعلی و زیبایی خود عمل، حسن فاعلی، یعنی اعتقاد و انگیزه و دیگر صلاحیت های فرد نیز در ارزش اخلاقی افعال، ملاک است و بسته به درجه ایمانی و اخلاقی افراد، شادی آن ها ارزش گذاری می شود. شادی به لحاظ درجه بندی ارزشی، در سه حالت اساسی و کلی قابل فرض است که هر یک نیز مصادیق متفاوت دارد.

شادی گاهی مانند خوشحالی مشرکان از شکست اسلام، به کلی باطل و ناحق است (إِنْ تَمَسَّسْتُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران: ۱۲۰)؛ فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ جَلَّافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (توبه: ۸۱)؛ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ (توبه: ۵۰) یا مثل شادی به امور اخروی و شادی از نزول و تلاوت آیات الهی حقیقی و به جا است (وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ مِنَ الْأَخْرَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَ إِلَيْهِ مَابٍ (رعد: ۳۶)) که این هر دو نوع شادی تکلیفش روشن است که اولی به هیچ وجه شایستگی

جهت استنباط حکم اخلاقی شادی مورد نظر خویش است و سعی می‌کند حدود و کیفیت شادی مطلوب اخلاق اسلامی را بر اساس اصول اخلاق شادی تنظیم نموده و به فضایل اخلاقی شادی آراسته گردد. تعیین ملاک برای ارزش‌گذاری این قسم شادی‌ها نیازمند بررسی عمقی آیات و روایات و توجه به رویکرد کلی دین در این مسأله هست.

از این رو انسان‌ها در برابر این نوع شادی، دو حالت کلی نسبت به آن فیاض بی‌منت و منتها پیدا می‌کنند یا دست خدا را در اعطای نعمت می‌بینند که فضایل ایمانی از این نگرش پدید می‌آید یا دست خدا را نمی‌بینند و آن را به اسباب دیگر یا خود منسوب می‌کنند که در این صورت نیز رذایل ایمانی به وجود خواهد آمد. بنابراین اگر شادی افراد مطابق حق، از جانب الهی، به نیت رسیدن به کمالات و توأم با فضایل باشد، نه تنها بد نیست، بلکه یک ارزش است، به طوری که قرآن کریم خود دستور به چنین شادمانی صادر می‌کند «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (تو ای پیامبر) بگو که شایسته است به فضل خدا و به رحمت او خرسندی کنند که فضل و رحمت خدا بهتر است از آنچه جمع می‌کنند» (یونس: ۵۸). با عنایت به بعد تکوینی امر الهی که به عموم بشر چنین نویدی داده است؛ هر انسانی با برخورداری از فضل و رحمت، به شادی دست خواهد یافت، پس باید زمینه‌های دریافت فضل و رحمت الهی را فراهم کند تا در پی آن شادی پدید آید. خدا امر به شادی به فضل و رحمت می‌کند که به لحاظ تشریعی نیز انسان باید به آن‌ها شاد باشد. در نتیجه قرآن شادی را نفی نمی‌کند، بلکه به صراحت می‌گوید: آن را از خدا بدانید و از او بجوید. هر انسان عاقلی با دریافت نعمت، شاد می‌گردد و قرآن نمی‌گوید وقتی به نعمتی دست یافتید، شاد نشوید و یا نسبت به نعمت و نعمت بی‌تفاوت باشید، بلکه مراد قرآن این است: اولاً انسان متوجه سرچشمه نعمت‌ها شده و دارای یک نگرش توحیدی به نعمت‌های دریافتی باشد که خود این نگرش با یک شناخت عمیق و جهان‌بینی صحیح حاصل می‌شود، هرچند همگان خواسته و ناخواسته از تفضل الهی برخوردارند، ولی هدف قرآن توجه‌دادن به این تنعم است

تا بینش و رفتاری الهی با آن همراه شود. ذیل آیه مورد بحث به هر نوع فرح غیر الهی کنایه می‌زند و فضل و رحمت الهی را که باید بدان شادی جست از هر آنچه انباشته‌اند، بهتر می‌خواند. بنا به دستور صریح «باید به آن شاد شوند». هر شادی باید تنها به فضل و رحمت الهی انجام بگیرد و این انحصار از تقدم ضمیر اشاره «به آن» بر فعل «باید شاد شوند»، استفاده می‌شود. چه بسا برخی عوامل شادی، مادی باشند، ولی جهت‌گیری کلی آن با نگرش توحیدی بوده و آدمی از عمق قلب خود نعمت‌های دریافتی را فضل الهی شمارد. ممکن است فردی شادی‌اندکش بدون توجه خدا مذموم باشد، حال آنکه دیگری شادی فراوانش را از خدا ببیند و با نگرش توحیدی متصف به فضایل شود؛ ثانیاً قرآن سعی دارد که تنها برآوردن نیازهای مادی مد نظر انسان نباشد و تمام شادمانی وی به نعمت‌های دنیوی منحصر نگردد. از این رو به منظور بالابردن سطح آگاهی مخاطبان از مراحل بالارزش شادی نیز، سخن به میان می‌آورد. علاوه بر خوشحالی به فضل، شادی به رحمت الهی و سعادت دینی را به عنوان سطح متعالی پیش روی بندگان قرار می‌دهد. قابل توجه است که هر کدام از فضل و رحمت مورد اشاره در آیه، سبب مستقل فرح هستند، اما از نگاه اندیشمندان اسلامی، رحمت سعادت دینی، وقتی با نعمت عمومی در زندگی مادی اعم از ارزاق و سایر برکات همراه شود. مجموع رحمت و نعمت، سود زیادی است و به فرح و خوشحالی سزاوارتر است (۱۵). نعمت‌های مادی به تنهایی نمی‌توانند سعادت آدمی را تأمین کنند، هرچند در رسیدن به کمالات مؤثر هستند. بنابراین هرچند فضل نعمت عمومی و زندگی مادی شایستگی شادی دارد، ولی زمانی کامل خواهد بود که با شادی به رحمت سعادت دینی و معنوی همراه گردد که بنا به فرمایش قرآن قابل مقایسه با انباشته‌های مادی انسان‌ها نیست و خیلی از آن بهتر و سزاوار برای شادمانی است. شادی از نزول قرآن و تلاوت و تبرک به آن، عمل به فرامین الهی و دستورات اخلاقی از این نوع شادی‌ها می‌تواند باشد. انسان دیندار و خدا باور از شادی عمیقی برخوردار است، ولی نکته مهم آن است که انسان باید دارای چنین نگرش

توحیدی باشد تا به آن شادی توحید محور نیز دست یابد. بنابراین همانطور که روح توحید در فضایل اخلاقی، جریان دارد، روح اخلاق در احکام عملی و رفتاری اسلام نیز جریان دارد. تمام اجزای دین اسلام بعد از تحلیل، به توحید بر می‌گردد و توحید بعد از تجزیه به صورت اخلاق و اعمال ظاهر می‌شود. از روح توحیدی اخلاق و اعمال توحیدی صادر می‌شود (۱۶). طبق نظام ارزشی اسلام، مطلوبیت واقعی هر عملی، زمانی است که در مسیر توحید و رسیدن به مطلوب نهایی باشد، پس اگر شادی‌های دنیایی انسان در راستای کمک به سعادت ابدی و شادی آخرت او باشد، بسیار پسندیده و اخلاقی است (۱۷) و یکی از اهداف قرآن ارمان این فرح و شادمانی توحیدی به رهروان حقیقی خویش است.

از سه قسم شادی بیان شده، حالت اول، با ارزش و خوب قطعی و حالت دوم آن فاقد ارزش بد قطعی است که حکم هر یک با توجه به عوامل و آثار آن معین هستند. در این بین حالت سوم شادی که بسته به کیفیت و حدود آن و شرایط فاعل، شایسته هر یک از خوبی و بدی است محل بحث و چالش است. اکنون برای تعیین خوب و بد آن اصولی ارائه می‌شود تا التزام به آن‌ها، به شادی توحید محور رهنمون شده و به مرور به شادی‌های با ارزش ملحق گردد. این جهت‌گیری توحیدی در شادی، خاستگاه فضایل اخلاقی و مبنای شکل‌گیری اصول اخلاقی شادی برای رسیدن به این هدف توحیدی است.

با توجه به تشکیکی بودن ارزش اخلاقی، هر میزان که بایسته‌های اخلاقی در شادی رعایت شوند به همان میزان شادی از ارزش اخلاقی بیشتری برخوردار خواهد بود. از نگاهی دیگر این اصول به دلیل اتصالی که میان انسان و منشأ سرور حقیقی عالم، خدای تعالی ایجاد می‌کنند به نوبه خود منابع مهمی آرامش، شادی و امنیت هستند. پرداختن به آن‌ها به عنوان منابع و عوامل دینی و اخلاقی شادی در جای خود مهم است و مقام بحث کنونی اصول اخلاقی شادی است.

اصول اخلاقی شادی

لازمه شادی توحید محور، پایبندی به پاره‌ای شرایط و بایسته‌های اخلاقی است. هر چه شخص به این اصول اخلاقی ایمان بنیان بیشتر پایند باشد، ساختمان توحیدی شادی‌هایش محکم شده و به آن ارزش افزون‌تری می‌بخشد. قبلاً نیز بیان شد، این پژوهش درصدد تبیین اصول اخلاقی ایمان‌بینان شادی که به رابطه عبودیت انسان با خدا ناظرند، می‌باشد. در ذیل به ارائه و تبیین هر یک از این اصول می‌پردازیم:

۱- اصلاح انگیزه

انگیزه الهی، از اصول اولیه اخلاق شادی است. ارزش رفتارهای اخلاقی، از آنجا ناشی می‌شود که یا خود موجب قرب الهی‌اند یا زمینه تقرب به خدا را فراهم می‌آورند. هدف انسان، رسیدن به قرب الهی است و این بالاترین هدفی است که برای سیر تکاملی انسان وجود دارد (۱۸). عالی‌ترین مرتبه اخلاقی آن است که روح آدمی تجلی‌گاه اسما و صفات جمال و جلال الهی گردد. انسان باید در عمل اختیاری خود، انگیزه و نیت تقرب به خداوند را داشته باشد تا چنین تأثیر حقیقی بر تعالی معنوی و صعود روحش داشته باشد (۱۹). این، اثر واقعی عمل بر وجود انسان است. محمدتقی جعفری درباره عوامل و درجات نیت الهی معتقد است تا مادامی که در انسان توحید حقیقی بارور نشده باشد، نمی‌تواند انگیزه حرکات و سکنات خود را منحصر به تقرب خداوندی کند. عظمت و ریشه‌دار بودن هر کاری وابسته به انگیزه و هدفی است که دارد. هر کاری که هدف از آن مادی بوده باشد، ارزش آن کار نیز مادی خواهد بود. هر چه نیت خالص‌تر باشد، بدون تردید آن کار بالارزش‌تر خواهد بود (۲۰). باور عمیق انسان به مبدأ و معاد الهی، زمینه‌ساز انگیزه‌های الهی او در شادی است. کسی که آغاز و انجام خود را خدا می‌داند، شادی‌هایش را نیز مطابق این مبنا تنظیم می‌کند، هرچند میزان خلوص انگیزه در شادی بسته به درجه ایمانی افراد متفاوت است.

این اصل به قدری مهم است که امام صادق (ع) در فرازی از مناجات با پروردگار، بهترین شادی و نشاط را از خدا درخواست می‌کند تا آن را در مسیر تقرب و طاعت الهی به کار بندد (اللهم احسن معونتی فی النَّشاطِ وَ الْفَرَحِ وَ الصَّحَّةِ حَتَّى أَبْلُغَ

فِي عِبَادَتِكَ وَ طَاعَتِكَ (۲۱)، پس شادی باید زمینه‌ساز نشاط بندگی باشد.

صدرالمؤمنین، انگیزه تقرب را با ارزش‌ترین نوع آن برشمرده است که شخص، شادمان از آن است که نعمت‌های به دست آمده را در مسیر سعادت اخروی خویش به کار بندد (۲۲). انسان از نعمت‌های دنیا شاد می‌شود بدین جهت که دنیا مزرعه آخرت و وسیله قرب الهی است، پس اگر فرد، شادی را با نیت و انگیزه الهی انجام داد، عمل او دارای ارزش اخلاقی خواهد بود. نباید جستجوی شادی با انگیزه‌های پست و لہوی باشد. چنین شادمانی‌ای انسان را از کمالاتش باز می‌دارد. بنابراین یکی از اصول و ملاک‌های ارزش اخلاقی شادی آن است که انسان با هدف و انگیزه‌های پاک و به قصد الهی، اقدام به شادی نموده و درصدد نیل به آثار مثبت اخلاقی و اخروی شادی باشد.

۲- یاد خدا

یاد الهی یکی دیگر از بایسته‌های مهم شادی توحیدمحور است و همواره، زندگی مؤمن را از سقوط به پرتگاه غفلت و هوسرانی محافظت می‌نماید. توجه به قدرت و عظمت الهی، انسان را متوجه ضعف خود نموده و او را از سرکشی و سرمستی شادمانی مفرط باز می‌دارد. «اگر انسان به یاد خدا باشد، دنیا را آنطور که هست می‌بیند، ولی اگر از یاد پروردگارش روی گرداند، به خودش و به زینت دنیوی که در دست دارد، به اسباب ظاهری که در پیرامون او است، دل بسته و پیروی هوی و هوس‌ها نمی‌گذارد که با نهیب فطرتش از خواب خرگوشی بیدار گردد (۲۳). آنگاه این احساس بی‌نیازی موجب تفاخر و طغیان او می‌گردد، چنانکه خدای تعالی در آیه ۶ سوره علق می‌فرماید: «انسان چون خود را مستغنی دید، طغیان می‌ورزد.» مطابق آیه ۱۶ حدید، آنچه باعث نرمش قلب آدمی و انعطاف آن به سوی حق و خشوع و خضوع در پیشگاه خدا می‌شود، یاد خدا و توجه داشتن به حق تعالی در همه حال است، آرزوهای دور و دراز را برمی‌چیند و انسان را متوجه مسؤولیت‌هایش می‌کند و دل را نورانی و فکر انسان را واقع‌بین و ماهیت زندگی ناپایدار دنیا را در برابر او مشخص می‌سازد.

یاد خدا، انسان را قدردان نعمت و باعث دوری هوا و هوس و شیطان و شیطنت از زندگی‌اش می‌گردد.

امام علی (ع) یاد خدا را یک اصل در اخلاق شادی بیان می‌کند: «هرگاه خودبینی به سبب قدرت و توانایی انسان زیاد شود، تکبر به وجود می‌آید، در آن هنگام به سوی بزرگی پادشاهی خدا و قدرت او نگاه کن که تو بر نفس خود قادر نیستی. این کار انسان را از سرکشی و تند و دوری از عقل باز می‌دارد» (۲۴). یاد الهی انسان را متوجه قدرت خدا نموده و از بسیاری رذایل اخلاقی ناشی از شادی باز می‌دارد.

بنا بر تصریح کلام خدا، هنگام نزول آیات، در مؤمنان ایجاد شرح صدر و شادی می‌شد (وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيْكُمُ زَادَتْهُ هِذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَّادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ). قرآن کریم بر معارف و حقایقی تازه مشتمل است و به برکت آن، نور بیشتری از ایمان در دل پیدا می‌شود. ایمان مؤمنان را زیاده‌تر می‌سازد، آن‌ها شرح صدر یافته، صورتشان از شادی و سرور افروخته می‌گردد (۲۵). آیات الهی، یاد حق را در دل مؤمنان زنده نگه می‌دارد و این‌گونه بر ایمان و شرح صدر و سرور آن‌ها اثر زیادی دارد.

برخی از مذمت‌های قرآن در باب فرح، به دلیل همراهی آن با غفلت از خداست. به طور مثال علامه طباطبایی ذیل آیه ۴۸ شوری می‌فرماید: «فرح به رحمت، کنایه از اشتغال به نعمت و فراموش کردن منعم است. دوری آنان و توبیخ خدا به این دلیل است که آن‌ها سرگرم به دنیا هستند، چون طبع چنین انسانی غفلت از خدا است، هر چه هم نعمت را به یادش آورند خوشحالی از نعمت نمی‌گذارد، به یاد خدا بیفتند» (۲۶). روشن است که خود شادی، اشکالی ندارد، بلکه گاهی با بی‌توجهی به پروردگار عالم و غرق شدن در نعمت می‌شود و با برخی عوارض اخلاقی همراه است قرآن نسبت به آن‌ها گوشزد می‌نماید.

انسان موظف است همیشه به ویژه در لحظه‌های شادی و خوشی به یاد خدا باشد. در این باره امام باقر (ع) فرمود: «در تورات نوشته شده... ای موسی... در تنهایی‌ها و هنگام خوشحالی، لذت‌های غفلت و فراموشی است که خدای متعال

یادآور می‌شود» (۲۷). امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ در توصیف شادی پرهیزگاران می‌فرماید: «انسان باتقوا شادمان صبح می‌کند، در حالی که از غفلت ترسان است.» غفلت، آسیب جدی شادی است که تنها با توجه مدام و یاد الهی از بین می‌رود. امام صادق (ع) درخواست توفیق استقامت در خوشی و سختی را از ویژگی‌های توبه برشمرده و می‌فرماید: «و از خدای متعال یاری بطلب که او را در حالات خوشی و گشادگی و در ناراحتی توفیق استقامت عطا فرماید» (۲۹). انسان در اوقات خوش، در معرض غفلت از خداست و باید از خدا درخواست کند تا همیشه مورد عنایت خدا بوده و در ردیف غافلان قرار نگیرد و که خود غفلت نیز بسیاری از پلیدی‌ها را به همراه دارد. بنابراین یکی از شرایط اخلاقی هنگام شادی، این است که آدمی در همه حال، متوجه حضور و فرمانروایی مطلق خدا باشد و اسباب شادی را تنها از جانب خدا بداند تا این نعمت، عامل غفلت و سقوط وی نگردد.

۳- تقوی

نتیجه یاد خدا بودن، تقوی است که یکی از معیارهای اخلاقی شادی است. تقوی از مفاهیم بنیادین و دارای جایگاه شاخصی در میان آموزه‌های اخلاقی است که به طور خاص در هنگام خوشی اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد. قرآن کریم قدرت تشخیص حق از باطل (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا) (انفال: ۲۹)، هر گونه گشایشی در امور بندگان، روزی بی‌حساب و آسان‌شدن کارها، را مرهون تقوای الهی می‌داند (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ/ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ سِرًّا) (طلاق: ۴-۳) که موجب نزول برکات آسمان و زمین بر جوامع بشری می‌گردد (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف: ۹۶). علاوه بر این که ثمرات تقوی، مهم‌ترین منابع شادی و سعادت دنیا و آخرت انسان هستند، تقوی یک بایسته اخلاقی است که بر اساس آن باید شادی‌ها منحصر در چارچوب تقوای الهی و با خودداری از ارتکاب گناهان باشد.

می‌توان گفت که مهم‌ترین و بالاترین مصداق تقوی در شادی این است که عمل انسان از دایره فرمان حق تعالی خارج نگردد. پیامبر (ص) فرمود: سه حالت در هر که باشد، همه خصال ایمان را دارد: یکی آنکه در حال خوشی به کار باطل نپردازد (۳۰). خودنگهداری از شادی‌های ناپاک و گناه‌آلود حاصل این اصل ارزشمند است. در سیره پیامبر (ص)، التزام به این مصداق آشکار است. ایشان با مسلمانان شوخی می‌کرد. او خود در این باره می‌فرمود: «من هم شوخی می‌کنم، ولی جز حق نمی‌گویم» (۳۱) و برای از راه ناحق و رفتارهای ناشایست شادی نمی‌کرد. در شوخی‌هایش هدف دیگری جز شادکردن مردم و زدودن اندوه از سیمای آنان، نداشت. در عین حال که شوخی و شادی می‌کرد، در رفتار و گفتار پایبند قوانین اسلامی بود. شایسته است تمام افعال انسان متقی، مطابق رضایت الهی و مصداق اطاعت فرمان خدا باشند. امام صادق (ع) فرمود: «در موعظه‌های خداوند به عیسی بن مریم هست که ای عیسی به نیکی‌ها که خشنودی من در آن است، شادمان باش و بر بدی‌ها که خشم من در آن است، گریه کن» (۳۲). در سخنی دیگر این حالت نشانه ایمان آدمی شمرده شده و امام صادق (ع) فرموده‌اند: «هر که کار نیکش او را شاد کند و عمل بد او را ناراحت نماید، او مؤمن است» (۳۳). از امام هشتم روایت شده که «مؤمن کسی است که وقتی احسان نمود خوشحال شود» (۳۴). نتیجه می‌گیریم سبب شادی و ابراز آن باید بر اساس حقانیت و با اعمال پسندیده باشد تا شادی از ارزش اخلاقی برخوردار گردد و چنانچه عامل شادی باطل و بیهوده باشد و یا رفتار ناشی از شادی پست و ناشایست باشد، شادی غیر اخلاقی خواهد بود. اصل اخلاقی تقوی شادی انسان مؤمن را در چارچوب اوامر الهی قرار می‌دهد تا در شادی‌هایش مرتکب گناه و آلودگی نشود.

۴- امید

امید به خدا از بایسته‌های اخلاقی شادی است. ویژگی شادی توحیدمحور، امید به فضل و رحمت الهی و انتظار تحقق وعده‌های اوست. این امید و انتظار، شیرین و نشاط‌آفرین و تحقق آن شادی‌بخش است. از نگاه دانشمندان اخلاق، امید،

گشودگی حاصل از سرور در دل است به جهت انتظار امر محبوبی که خود شخص، بسیاری از اسباب رسیدن به آن را تحصیل کرده است (۳۵). خداوند بر اساس رحمانیت عامه خویش بر مخلوقات، لطف، عطا، تفضل و رحمتش را متوجه آفریدگان نموده و وعده‌های روح‌بخش و نشاط‌آفرین به آنان می‌دهد. خدا به آدمی وعده مغفرت و فضل می‌دهد و امید به آینده زیبا را در او زنده می‌کند؛ حسن ظن، الهام خدا و موجب مسرت و بدگمانی از تلقینات شیطان و غم‌افزاست. از این رو فرمود: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا؛ شیطان به شما وعده تنگدستی می‌دهد و به بدکاری و امید دارد و خدا از جانب خود آمرزش و فروزی به شما وعده می‌دهد که خدا وسعت‌بخش و دانا است» (بقره: ۲۶۸). صاحب‌المیزان در این باره می‌نویسد: «خطور فرشتگان همواره توأم با شرح صدر است و آدمی را به سوی مغفرت و فضل خدا می‌خواند و خطور شیطانی همواره ملازم با تنگی سینه و بخل نفس است و آدمی را به پیروی هوای نفس می‌خواند و از فقر می‌ترساند» (۳۶) که در نهایت به یاس و ناامیدی از عنایت الهی منجر می‌شود، ولی توجه به وعده الهی و ایجاد باور عمیق قلبی به حقانیت آن، بذر امید در دل کاشته و زمینه شادی توحیدی را فراهم می‌کند.

امید به خدا، منوط به خداباوری و اعتقاد به فضل و رحمت بیکران الهی بر بندگان است، چراکه خدا منشأ فضل است و هیچ گاه در عطا، بخل به خرج نمی‌دهد. کسی که می‌خواهد بدون امید به او به شادی دست یابد، قطعاً دچار یأس و ناراحتی خواهد شد، چراکه غیر از او همگان محدودند و محدودیت عامل رنج‌های بشر. تنها او سرچشمه برکات عالم است که به هر که، هر چه بخواهند و بخواهد بی‌کران می‌بخشد (قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ / يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (آل عمران: ۷۴-۷۳)).

خدای متعال در مواردی نیز به واسطه فرشتگان بر بندگان نوید می‌دهد. فرشتگانی که بر مؤمنان نازل شده و از وعده‌ها و بشارت‌های امیدآفرین و شادی‌بخش سخن می‌گویند و به آنان ابراز محبت و دوستی در دنیا و آخرت می‌نمایند «اما آن‌هایی

که گفتند پروردگار ما الله است و بر گفته خود پافشاری و استواری هم کردند، ملائکه بر آنان نازل گشته و می‌گویند تترسید و غم مخورید و به بهشت بشارت و خوش‌وقتی داشته باشید، بهشتی که در دنیا همواره وعده‌اش را به شما می‌دادند» (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ / نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ (فصلت: ۳۱-۳۰)). این آیه شریفه از آینده‌ای که در انتظار مؤمنین است و ملائکه با آن به استقبال ایشان می‌آیند، خبر می‌دهد و آن تقویت دل‌ها و دلگرمی آنان و بشارت به کرامت است، ایشان را از ترس و اندوه ایمنی می‌دهند (۳۷).

همچنین قرآن کریم پا فراتر نهاده و در جای‌جایش با قالب نکره در سیاق نفی هر گونه ترس و اندوهی را از دوستان خویش نفی نموده و می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید که اولیای خدا از هیچ چیزی ترس و اندوه ندارند» (یونس: ۶۲). «ولایای خدا نه از چیزی می‌ترسند و نه برای چیزی اندوه می‌خورند - نه در دنیا و نه در آخرت - مگر آنکه خدای تعالی اراده کند که آنان از چیزی بترسند و یا درباره آن اندوه خورند. اولیای خدا هم در دنیا متصف به نداشتن خوف و اندوه‌اند و هم در آخرت (۳۸). بی‌شک نداشتن ترس از آینده و حزن نسبت به حال و گذشته مساوی با امید و امنیت و شادی اینان است.

قرآن همواره از وعده‌های شادی‌آفرین به مؤمنان سخن گفته و روح امید و شادمانی را در ایشان زنده نگه می‌دارد. قرآن کریم با بشارت دنیوی و اخروی به مؤمنان از سنت‌های ثابت و غیر قابل تغییر سخن می‌گوید: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ و آنان هم در دنیا بشارت دارند و هم در آخرت (و این کلمه خداست) و در کلمات خدا دگرگونی وجود ندارد و همین بشارت خود رستگاری عظیمی است» (یونس: ۶۴). خدای تعالی در این آیه، اولیای خود را بشارتی می‌دهد که مایه روشنی چشم آنان و قضای حتمی الهی است. پیداست است که این بشارت که هم‌اینک صورت می‌گیرد، نوعی نشاط به

الهی بیان می‌کند: «به خاطر برخورداری از فضل و رحمت شاد است.» بر این اساس، رمز شادی پرهیزگاران، امید به رحمت پروردگار است.

بنابراین در میان آموزه‌های اسلام، مفهوم امید مهم‌ترین تکیه‌گاه شادی است. به لحاظ وجود باور به وعده‌های الهی و انتظار نتایج دنیوی و اخروی اعمال، روح امید به آینده در انسان مؤمن زنده است که عمیقاً با شادی و غم او درهم‌تنیده است، لذا دو مفهوم امید و شادی در یک ارتباط ناگسستنی قرار دارند و انسان مؤمن شادی مدامش از روی امید به تفضلات الهی است.

۵- توکل

از دیگر اصول ایمان بنیان در اخلاق شادی توکل در رسیدن به اهداف و خواسته‌ها و در نهایت شادی‌هاست. حقیقت این است که به کرسی نشستن اراده انسان، احتیاج به اسبابی طبیعی و اسبابی معنوی دارد. اگر انسان به خدا توکل کند اراده‌اش نیز قوی می‌شود و هیچ یک از اسباب ناسازگار معنوی، بر اراده او غالب نمی‌آید و این موفقیت و سعادت است (۳۸). این شادی تنها در سایه توکل به دست می‌آید، افزون بر آن انسان موظف است برای رسیدن به هر هدفی به صورت معقول و در حد توان تلاش کند (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹)) و اموری هم که از قدرت انسان خارج است به خدا وامی‌گذارد.

علمای اخلاق درباره توکل گفته‌اند: «توکل آن بود که در کارهایی که حواله آن به قدرت و کفایت بشری نبود و رأی خلق را در آن مجال تصرفی صورت نبندد، زیاده و نقصان و تعجیل و تأخیر نطلبد و به خلاف آنچه باشد میل نکند» (۴۰). بی‌تردید همه امور عالم، تابع اراده خدا است و هیچ سببی از اسباب، از نفوذ اراده خدا جلوگیری نمی‌شود. تدبیر اقتضا می‌کند که انسان توکل به خدا نموده و امور را محول به او کند (۴۱). توکل نمودن بنده در شادی، نوعی نفی انانیت و نشان دادن خدا به جای آن است که اراده الهی را با درخواست خویش همراه می‌سازد، سپس اقدام به تلاش می‌کند. صاحب تفسیر المیزان می‌نویسد: «توکل بر خدا از نظر اثر، ملحق به معجزات و خوارق

وجود می‌آورد، ضمن این‌که تمام وعده‌ها به قیامت موکول نمی‌شوند، بلکه در همین حیات دنیوی نیز محقق خواهند شد. افزون بر این، موارد فراوانی در کلام الهی وجود دارد که خدای تعالی به دوستان خود، مژده پاداش‌های دنیوی و اخروی می‌دهد که مؤمنان با امید به آن وعده‌های حتمی، شادمان می‌شوند و انگیزه تلاش می‌یابند.

پس شایسته است انسان مؤمن با باور وعده‌های الهی همواره نسبت به خدای خویش گمان نیک داشته باشد. از امام محمدباقر (ع) روایت شده است که: «... به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد مگر به واسطه حسن ظن او به خدا و امیدواری‌اش به او... پس گمان خود را به خدا نیکو کنید و به سوی او رغبت نمایید» (۳۹). امیدواری به خدا از عوامل افزایش احتمال تحقق امید و آرزوهای آدمی است.

همچنین آموزه دعا که در راستای این اصل مهم می‌باشد در آیات الهی فراوان توصیه شده است. دعا همواره با امید به اجابت و موجب نیروی درونی است (وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره: ۱۸۶)). روح امیدواری به فضل و رحمت الهی در دعاها صادره از معصومان (ع) موج می‌زند. به عنوان مثال در فرازی از دعایی که مولای متقیان به یکی از صحابه خود جناب کمیل آموخته است، بنده اظهار امید به فضل و رحمت الهی می‌نماید (۴۰). همچنین در جای دیگر از خدا می‌خواهد که امید بنده را از فضل خویش قطع نکند.

قرآن کریم با وعده‌های نجات‌بخش، همگان را به برخورداری از فضل و رحمت ایزدی ترغیب و تشویق نمود و شادی را بدان‌ها ارزانی کرد. در نهایت با وعده فضل، همگان را به درگاه کریمانه الهی متوجه نموده و دستور می‌دهد که شادی خود را از دریافت تنعمات الهی بجوید و به طور صریح دستور به شادی می‌دهد: «قُلْ يَفْضَلُ اللَّهُ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (تو ای پیامبر) بگو که شایسته است به فضل خدا و به رحمت او خرسندی کنند که فضل و رحمت خدا بهتر است از آنچه جمع می‌کنند» (یونس: ۵۸). بدین‌سان امام علی (ع) شادی پرهیزگاران را در پرتو برخورداری از فضل و رحمت

عادت است هم‌چنانکه از ظاهر جمله: هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است، خدا فرمان خود را به انجام می‌رساند، این معنا برمی‌آید» (۳۸). امام رضا (ع) در معنای این آیه فرمود: «توکل درجاتی دارد؛ یکی از آن‌ها این است که در تمام امورت، آنچه را در مورد تو انجام می‌دهد به او اعتماد کنی و راضی باشی و بدانی خدا در خیر و نظارت بر امور تو کوتاهی نمی‌کند و نیز بدانی که حاکمیت در همه این‌ها از آن اوست و کار خود را به او واگذاری و بر او توکل کنی» (۴۲)، چه انسان به شادی مورد نظرش دست یابد یا نه؛ انسان اهل توکل با یک رضایت خاطر و آرامش همراه است. توکل به خدا، سبب کفایت و بی‌نیازی آدمی و در نتیجه شادی حقیقی است. امیر مؤمنان علی (ع) در سخن کوتاه و پرمعنایی می‌فرماید: «کسی که توکل بر خدا دارد، رنج ندارد» (۲۴). آنکه امورش را به خدا واگذارد، خدا به بهترین وجه اسباب تحقق امور بنده‌اش را تدبیر خواهد نمود و رنج و ناراحتی متوجه بنده اهل توکل نیست. این اصل اخلاقی به قدری پربهاست که علاوه بر این‌که ارزش اخلاقی شادی را تأمین می‌کند، خود نیز زمینه و عامل مهم شادی است.

برخی از بزرگان اخلاق در خصوص اهل توکل بر این باورند؛ آنکه خدا را شناخته و افعال و سنت‌های او را در اصلاح بندگانش دانسته است، هرگز به اسباب شادمان نمی‌شود، زیرا نمی‌داند چه اسبابی به خیر و صلاح اوست (۴۳) و به قضای الهی راضی و خشنود است. انسان هنگامی که اراده انجام کاری را نمود و ابزار و اسباب را فراهم نمود بر خداوند توکل نموده و از این راه به شادی دست می‌یابد. او هیچ گاه نگاه استقلالی به اسباب نداشته و همه آن‌ها را در ید قدرت و اراده حضرت حق می‌داند.

پایبندی به اصل توکل به خدا برای رسیدن به شادمانی، سبب می‌شود شادی از ارزش اخلاقی برخوردار گردد، لذا هر گونه تلاش برای رسیدن به شادی و لذت باید با توکل به پروردگار عالم باشد.

۶- شکر

علاوه بر شرایط پیش‌گفته، نوبت اصل شکر می‌رسد که یکی دیگر از بایسته‌های اخلاقی شادی در مدل توحیدمحور بوده و تحقق آن منوط به رعایت برخی اصول پیشین است. عالمان، تحلیل بسیار جالبی از عناصر شکر ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد؛ شادی بخشی از شکر بوده و دست کم این دو مفهوم دارای یک ارتباط هستند. شکر را یکی از مقامات سالکان شمرده‌اند که از علم و حال و عمل تشکیل می‌شود. «شکر عبارت است از شناخت نعمت‌دهنده و شادبودن به آن و عمل کردن به مقتضای آن». علم اولین رکن شکر است و آن شناخت نعمت از نعمت‌دهنده است. از آن حال پدید می‌آید که همان شادی حاصل از انعام اوست. از حال، عمل به وجود می‌آید و آن انجام دادن کاری است که مقصود و محبوب بخشنده نعمت است (۴۳). در ادامه مبحث شکر به بیان این تحلیل پرداخته خواهد شد.

انسان شکرگزار شادی را تنها از سوی خدا می‌داند، لذا وقتی فرد در سلسله فضایل شادی به همه مراحل پیش و حین شادی عنایت داشت، اکنون وارد مرحله شکر می‌شود. مفسرین گفته‌اند مراد از «برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت‌هاست» (ابراهیم: ۵)، انسان مؤمن است، چون هیچ مؤمنی خالی از دو حال نیست، حال ضراء و حال سراء، اگر در حال ضراء و شدت قرار گیرد، از صابران است و اگر در حال سراء و رفاه باشد، از شاکران خواهد بود (۴۴). امام صادق (ع) یکی از هشت صفت شایسته مؤمن را سپاسگزاری در هنگام رفاه و خوشی برشمرده است: «هنگام رفاه و خوشی، شاکر و سپاسگو باشد» (۴۵). از این رو وقتی نعمتی به او رسید که سرور و شادمانی را برایش به ارمغان آورد، در مقابل این شادی حالت سپاسگزاری برای او ایجاد می‌شود. در خطبه ۹۱ از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است: «هنگام نعمت، شکر خدا را فراموش نکنید.»

در روایتی رسول خدا (ص) پیروان خود را به شکرگزاری در هنگام شادی توصیه می‌کند که یکی از عوامل چهارگانه قرب الهی آن است که مؤمن به هنگام خوشی بگوید: «الحمد لله» (۴۶).

اگر نعمتی رسید باید انسان شکر آن به جا آورد و چنانچه مصیبتی به آدمی رو آورد، صبر پیشه کند تا رضایت الهی فراهم آید. روایت شده که روزی پیامبر (ص) بر طایفه انصار وارد شد و فرمود: «آیا شما مؤمنانید؟ همه ساکت شدند. مردی گفت: بلی یا رسول الله. حضرت فرمود: علامت ایمان شما چیست؟ گفتند: در حالت نعمت، شکر خدا را به جا می آوریم و در هنگام بلا و مصیبت صبر پیشه می سازیم و آنچه قضای پروردگار است به آن راضی هستیم. حضرت فرمود: به خدای کعبه قسم که مؤمنان هستی (۴۷). رسول خدا (ص) هنگامی که موضوع خوشایند و فرحناکی برایش پیش می آمد، می گفت: «حمد و سپاس خدایی را که با نعمت و لطف او کارهای شایسته انجام می یابد» و هنگامی که مطلب ناخوشایندی پیش می آمد، می گفت «در هر حال حمد و سپاس برای خدا» (۴۸). همانطوری که در مصیبت باید صبر پیشه نمود، در خوشی نیز باید شکرگزار خداوند بود که نعمت هایش را بر انسان ارزانی داشته است.

همچنین شکرگزاری به عنوان وظیفه ای اخلاقی در برابر دریافت نعمت، خود موجبات فزونی نعمت و شادمانی را فراهم می کند. (وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهیم: ۷)) طبق فرمایش رسول خدا در شکر نعمت دو فرح و شادی هست: یکی برخورداری از نعمت و دیگری زیاد شدن و دوام پیدا کردن آن. امام علی (ع) در خطبه دیباج شکر را مایه زیادی خوانده و می فرماید: «در میان بیم و امید تلاش کنید، اگر خوش دلی دیدید، شکر کنید و آن را با خوش دلی دیگر فراهم آرید، زیرا خداوند برای مسلمانان اجازه خوشی داده و برای هر که شکر کند فرمان فزودن صادر کرده است.» شکرگزاری در شادی باعث می شود خداوند انسان را از این موهبت ارزشمند، بیشتر برخوردار سازد. عالمان اخلاق نسبت به شکرگزاری در مواقع خوشی و شادی توصیه کرده اند «شکر خدا گذارید بر نعمت که با شما کرد و سپاس او دارید بر خوشی عیشی که به شما داد.»

به لحاظ اهمیت و جایگاه این مفهوم در بحث شادی، ارکان سه گانه علم، حال و عمل در شکر، بیان اندیشمندان مورد توجه قرار می گیرد.

صاحب کتاب جامع السعادات بر این باور است که شناخت آن است که انسان بداند همه نعمت از خداست و منعم حقیقی اوست و وسائط مسخر از جانب اوست و اگر از جانب آفریدگان خدمتی به او می رسد به عنایت خداست. مرحوم نراقی در ادامه می افزاید؛ هر که این را فهمید یکی از ارکان شکر خدا را حاصل نموده و این شکر و سپاس قلبی است (۴۹).

رکن دوم حال شاد است که از اصل معرفت ناشی می شود و آن شاد بودن به نعمت های منعم است، توأم با خضوع و فروتنی و این نیز به خودی خود شکر است (۴۹)، البته از نظر ملاصدرا زمانی شکر کامل است که شرط آن را دارا باشد و شرط آن این است که شادمانی به منعم باشد نه به نعمت و یا انعام (۲۲).

درجه نخست حال شادی، حال همه کسانی است که به نعمتی که خدا به آنان داده شادمان اند؛ از این حیث گوارا و لذت بخش بوده و مطابق میل آن هاست. به عقیده نویسنده کتاب محجبه البیضاء چنین کسانی از معنای شکر به دورند. در درجه دوم نیز انسان، به منعم شادمان است، نه به خاطر ذات خود پروردگار، بلکه بدین خاطر که نعمتی به او داده است. این مصداق حال پارسایانی است که خدا را از بیم مجازات و به امید پاداش او عبادت می کنند و شکر می گویند (۴۷).

درجه سوم شادی، حال بنده ای است که به نعمت خداوند از آن جهت شادمان است که به وسیله آن می تواند به او تقرب جوید و در جوار رحمت او فرود آید و پیوسته نظر به وجه او کند و این برترین درجه است و نشانه آن این است که از دنیا تنها به آنچه کشتزاری برای آخرت و کمکی در این راه باشد، شادمان می شود (۲۲).

رکن سوم شکر، عمل کردن به موجب شادی حاصل از معرفت منعم است تا انسان به قلب و زبان و اعضا، مقصود و خواسته نعمت دهنده را تحقق بخشد و این شکر عملی نعمت هاست (۴۸). این بود مختصری از نظرات متفکران اسلامی در ارتباط

شکر و شادی که از نظر خوانندگان گذشت. بنابراین شکر از اصول مهم در اخلاق شادی است که شخص نعمت‌ها را موهبتی الهی تلقی نموده و با خضوع به درگاه الهی سپاسگزاری می‌نماید.

۷- آخرت‌گرایی

از اصول مسلم ادیان و مورد تأکید قرآن کریم آخرت‌گرایی است که تأثیر به سزایی در اصلاح اعمال دنیوی انسان دارد. امام علی (ع) در نامه‌ای به عبدالله بن عباس می‌فرماید: «انسان گاهی به خاطر رسیدن به چیزی مسرور می‌شود که هرگز از دستش نمی‌رود و گاهی برای از دست دادن چیزی محزون می‌گردد که هرگز به آن نمی‌رسد، پس باید شادی‌ات برای آخرت و اندوخت برای از دست دادن آن باشد... خیلی به دنیا شادمان مباش.» شادی باید برای چیزهای ماندگار باشد؛ امام علی (ع) در خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه بی‌وفایی دنیا می‌فرماید: «کسی از دنیا شادمانی ندید، جز آنکه پس از آن با اشک و آه رو به رو شد، هنوز با خوشی‌های دنیا رو به رو نشده است که با ناراحتی‌ها و پشت کردن آن مبتلا می‌گردد، شب‌نمی‌از رفاه و خوشی دنیا بر کسی فرود نیامده جز آن که سیل بلاها همه چیز را از بیخ و بن می‌کنند.» از این رو مؤمن باید شادی‌هایش را به سوی ابدیت سوق دهد و در دنیا زندگی کند تا از آن توشه‌ای برای زندگی ابدیش بچیند و به آن اعتماد و تکیه نکند.

آخرت‌گرایی یک اصل مهم در اخلاق شادی به شمار می‌رود که عمدتاً در دو مصداق یاد مرگ و زهد تحقق می‌یابد.

۱-۷- یاد مرگ: یاد مرگ اهرم بسیار قدرتمند در مقابل خواسته‌های نفسانی و شادی‌های ناروا است. رسول خدا (ص) بسیار اصحاب خود را به یادآوری مرگ سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «مرگ را فراوان یاد کنید، زیرا که آن برهم‌زننده لذت‌ها و حائل میان شما و خواهش‌ها است» (۴۹). یاد مرگ لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی را خفیف نموده و آن‌ها را کم‌رنگ می‌کند و انسان را در مقابل طوفان‌های شهوات و زیاده‌خواهی‌ها حفظ می‌کند. سالکان کوی حقیقت، در امر تربیت نفوس، سعی نموده‌اند، جهان پس از مرگ را بزرگ‌تر و

مهم‌تر جلوه دهند تا انسان شادی‌هایش را به لذایذ کم‌ارزش دنیوی خلاصه نکند. باید انسان قلب خویش را از هر چه غیر یاد مرگ خالی کند، چون آن کسی که قصد سفر به صحرائی پرمخاطره دارد یا بر آن است که سفری دریایی آغاز کند، این شخص جز به سفر خویش نمی‌اندیشد، پس اگر یاد مرگ در قلب جا کند در آن تأثیر خواهد کرد و در این هنگام است که شادی و سرورش از دنیا کم می‌شود (۵۰). با تصحیح نگرش ما از زندگی فردا، موضع و رفتار ما نسبت به امروز اصلاح خواهد شد. بنابراین تعلیم دینی با توصیه‌های فراوان به «یاد مرگ» و تذکر دائمی نسبت به اصل مرگ و ناگهانی بودن آن، جهت‌گیری نفسانی ما را جهت اقدامات شادی‌آور و در لحظات اوج شادی تعدیل نموده و نسبت به رعایت حدود شادی ترغیب می‌کنند.

۲-۷- زهد: یکی از مصادیق اصل آخرت‌گرایی، حالت زهد و دل‌نبستن به مواهب دنیوی است که عامل مهمی در تعدیل شادی و مانع خوشحالی بیش از اندازه و بی‌مورد است. زهد در معنای دقیق و اسلامی آن تنها در بستر ایمان به خدا و معاد تحقق می‌یابد، زیرا مؤمن تنها در ارتباط با خدا و باامید و ایمان محکم به حقانیت آخرت، دل از مواهب مادی کنده و نسبت بدان‌ها زهد می‌ورزد. از این روی زهد در ذیل اصل آخرت‌گرایی و در ردیف فضایل ایمانی بیان شده است.

شادی زاهدانه یکی از عناصر شادی توحیدمحور است که انسان از شادمانی مفرط برای دنیا و خواسته‌های نفسانی خودداری نموده و شادی از مواهب دنیوی را مسیری برای سعادت و شادی پایدار قرار می‌دهد. امام باقر (ع) فرمود: «در کتاب علی بن الحسین (ع) چنین یافتیم که در تفسیر جمله: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» فرموده: مشمولین این آیه اولیای خدا هستند و خوف و اندوهی ندارند که واجبات خدای را انجام دهند، و به سنت‌های رسول خدا (ص) عمل کنند و از حرام‌های خدا بپرهیزند و از لذت‌های نقد و فریبنده دنیا زهد بورزند و به آنچه در نزد خدای تعالی است، دل‌بسته و علاقمند باشند» (۵۱). بنابراین می‌بایست مؤمن باید به قدر لازم از مواهب دنیوی استفاده نموده و غرق در تجملات

نشود، وگرنه صرف بهره‌بردن از نعمت‌های خدادادی و مددگرفتن از آن برای نیل به قرب و سعادت مذموم نیست.

آنچه در سیره معصومین نیز ملاحظه می‌گردد بر همین معنا دلالت دارد. به طور مثال غلام امام رضا (ع) از آن جناب روایت کرد که گفت: «خدمت آقایم عرض کردم: فدایت شوم، مردم چقدر دوست می‌دارند کسی را که غذای ناگوار بخورد و لباس خشن بپوشد و در برابر خدا خشوع کند، فرمود: مگر نمی‌دانی که یوسف پیغمبر که فرزند پیغمبر بود، همواره قباهای حریر، آن هم زربافت می‌پوشید و در مجالس آل فرعون می‌نشست و حکم می‌کرد و مردم هم به لباس او ایراد نمی‌گرفتند، چون مردم محتاج لباس او نبودند، مردم از او عدالت می‌خواستند» (۵۲). این‌گونه روایات آشکار می‌کنند که هدف از زهد تظاهر به خاری و سادگی نبوده، بلکه معیار زهد و تقواگذشتن از عموم خواسته‌های شهوانی دنیوی است که در هر کسی ممکن است به نحوی مصداق داشته باشد.

زهد این نیست که انسان از مال و ثروت و امکانات دنیا، بی‌بهره باشد، بلکه حقیقت زهد آن است که آدمی اسیر این‌ها نگردد، بلکه امیر بر آن باشد. حضرت علی (ع) فرمود: «تفسیر حقیقت زهد را خداوند در دو جمله خلاصه کرده و فرموده «هرگز به آنچه از دستتان رفت، ناراحت نشوید و به آنچه به دستتان می‌آید، شادمان نشوید» (۵۳). در این دنیا غم و اندوهی رخ نخواهد داد مگر آنکه در لوح محفوظ نوشته شده پیش از آنکه آن نفس‌ها را بیافرینم، تا شما بر آنچه از دستتان رفت، اندوهگین نشوید و به آنچه به شما برسد، شاد نگردید و خدا دوست نمی‌دارد هر گردن‌کشی را که بر اثر روی آوردن دنیا بنازد و سرفرازی نماید. باید شادی‌ات به سود آخرت باشد که (وسیله آن را در دنیا) دریافته‌ای. صاحب تفسیر المیزان ذیل این کریمه می‌فرماید: «خداوند از حوادث آینده خبر می‌دهد تا انسان یقین کند که آنچه فوت شده، و آنچه عایدش گشت، باید می‌شد و این‌ها ودیعه‌ای است که خدا به او سپرده است. چنین کسی نه در هنگام فوت نعمت خیلی غصه می‌خورد، و نه در هنگام فرج و آمدن نعمت، خیلی شادمان می‌شود» (۵۴). بهره‌مندی از دنیا و مواهب الهی نیکوست، اما دل‌بستگی به

دنیا و آن را هدف نهایی خود قراردادن زیبنده نیست، چراکه در این صورت آمد و رفت نعمت‌ها موجب شادی و غرور و سپس اندوه عمیق آدمی خواهد شد و انسان را از ثبات به تزلزل و از آرامش به اضطراب خواهد کشاند. حال آنکه انسان آخرت‌محور چه در خوشی و ناخوشی، دارایی و نداری و سلامتی و بیماری و همه حالات و شرایط به تکلیف خویش عمل نموده و در جهت سعادت ابدی می‌کوشد.

زهد نوعی ترجیح آخرت بر دنیا و وسیله قراردادن دنیا برای خوشبختی اخروی است. خدای متعال در قرآن کریم، گشایش روزی را به مشیت خویش نسبت داده و شادی گذرای دنیاطلبان را مورد مذمت قرار می‌دهد: «اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ؛ خدا روزی را برای هر که بخواهد، گشایش می‌دهد و برای هر که بخواهد، تنگ می‌کند، ولی آنان به زندگی دنیا شادمان شده‌اند و زندگی این دنیا در قبال آخرت جز متاع ناچیزی نیست» (رعد: ۲۶). از نظر قرآن غم و شادی برای زندگی مادی مردود است، چراکه در برابر زندگی ابدی آخرت بسیار محدود و کوتاه‌مدت است. خداوند با کنایه به کسانی که از دنیا خوشحال‌اند، وابستگی و دل‌بستگی به دنیا را نیز به عنوان عامل غم و اندوه مطرح نموده و از آن به شدت نهی کرده است. افراد باایمان هنگامی که به نعمتی از سوی خدا می‌رسند، خود را امانت‌دار او می‌دانند، نه از رفتن آن غمگین می‌شوند، نه از داشتن آن مست و مغرور. در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «دنیا در پیشگاه خدا و نزد انبیا و اولیای الهی کوچک‌تر از آن است که آن‌ها را خوشحال و ذوق‌زده کند یا با از دست رفتن آن غمگین شوند، برای هیچ عالم و عاقلی سزاوار نیست که از متاع ناپایدار دنیا خوشحال گردد» (۵۵). از نگاه اولیای دین دنیا بد نیست؛ بلکه در مقابل چیزهای ارزشمند دیگر بی‌مقدار و کوچک است.

گذشتن از دنیا باید از روی شوق و رغبت باشد تا زمینه شادی و راحتی انسان نیز فراهم گردد، چراکه گرفتاری به شهوات دنیوی خود عامل بسیاری از غصه‌ها و نگرانی‌هاست. نتیجه آنکه حالت زهد از متاع ناچیز دنیوی یکی از اصول

سعادت دینی و اخروی و هم خوشبختی و شادمانی دنیایی ایشان را به دنبال دارد.

اخلاقی شادی است. شادی انسان باید به چیزهای پایدار و ماندگار باشد. دلبستگی به دنیا و شادمانی از آن عامل بسیاری از رذایل اخلاقی و اندوه‌های دنیوی است.

نتیجه‌گیری

شادی همواره با چالش‌های اخلاقی رو به رو بوده و طرح اصول اخلاق شادی با هدف کاستن از این چالش‌ها بوده است. اصول اخلاقی ایمان‌بینان شادی که به رابطه عبودیت انسان با خدا ناظرند در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. بنا بر دیدگاه علامه طباطبایی روش قرآن کریم برای اصلاح اخلاق، بر توحید کامل بنا شده است. اصول اخلاقی شادی در جهت گیری توحیدی مدد می‌رساند تا مؤمن در شادی‌هایش حضور خدا را تأثیر دهد. انگیزه الهی‌داشتن در شادی، اصل اول در شادی مؤمنانه است که در پرتو آن مؤمن شادمانی‌اش با نیت و قصد تقرب انجام می‌گیرد تا مسیر کمال را بر او هموار سازد. اصل اخلاقی تقوی، شادی انسان مؤمن را در چارچوب اوامر الهی قرار می‌دهد تا در شادی مرتکب گناه و آلودگی نشود. بر اساس اصل توکل بندگان امور خود را در دست قدرت و تدبیر پروردگار می‌بینند و به او واگذار می‌نمایند. قرآن شادی به رحمت و سعادت را پیش روی آدمیان می‌نهد. از آنجا که بنده بر اساس اصل شکر تمام نعمت‌های شادی‌آفرین را یک سره از جانب حق تعالی می‌بیند، همواره به شکرگزاری می‌پردازد. از آموزه‌های دین، اصل آخرت‌گرایی در شادی استنباط شد که بر اساس آن دنیا در مقابل آخرت و سعادت انسان بسیار کم‌ارزش است و شایسته است انسان همواره با یاد مرگ نسبت به زودگذر بودن لذت‌های دنیا توجه داشته و خود را به فضیلت زهد آراسته نماید تا شادی‌اش به مادیات منتهی نگردد. موردهای یادشده این مطلب را ثابت می‌کند که آموزه‌های اخلاقی اسلام نه تنها مانع شادی و نشاط نیست، بلکه می‌کوشد همه مؤمنان را از درون اصلاح نموده و باور آن‌ها را نسبت به شادی با یک نگرش توحیدی و الهی همراه سازد. اصول مطرح‌شده ضامن شادی اخلاقی افراد است که هم

References

1. Ibn Manzur M. Lisan al-Arab. 1th ed. Beirut: Darahya' Arab Altras; 1416. Vol.10 p.86. [Arabic]
2. Feize Kashani M. Translation of al-Bayda clear way Almhjh. 1th ed. Mashhad: Holy Shrine; 1372. Vol.5 p.95. [Arabic]
3. Naraqi M. Comprehensive Alsadat. Al-Najaf: Press Zahra; 1368. Vol.1 p.15. [Persian]
4. Sharifi A. Rules of life (applied ethics). 1th ed. Qom: Education; 1392. p.28. [Persian]
5. Moin M. Moein dictionary. Tehran: Seraesh; 1381. Vol.10 p.15. [Persian]
6. Ibn Faris A. Mu'jam sensors Allghh. Qom: Alalam Islam; 1404. p.835. [Arabic]
7. Aiezang A. Psychology of happiness, translation: M. Firoz Bakht and khashaeer. Tehran: Badr; 1375. p.42. [Persian]
8. Ragheb Esfahani H. Vocabulary in Gharaeb Quran. 1th ed. Damascus: Darallm; 1392. p.129. [Arabic]
9. Yusuf Musa H, Alsydy A. Alafsah per philology. Qom: ALALAM Islam; 1404. Vol.1 p.635. [Arabic]
10. Tabatabaei M. Al-Mizan. 5th ed. Qom: Publications Office of Qom; 1374. Vol.16 p.110. [Arabic]
11. Qureshi A. Lexicon AlQooran. Tehran: Alaslamyh of books; 1412. Vol.5 p.158. [Persian]
12. Ragheb Esfahani H. Vocabulary in Gharaeb Quran. Tehran: Mortazavy; 1996. p.176. [Arabic]
13. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.1 p.541.
14. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.4 p.177.
15. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.10 p.120.
16. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.4 p.672.
17. Mesbah Yazdi M. Advice of Imam Sadiq (as) the true Rhjvyan. Qom: Institute of Imam Khomeini (RA); 1386. p.106. [Persian]
18. Kavas A. Ethics. Qom: education. 1th ed. 1387. p.173. [Persian]
19. Deilami A. M Azerbaijan. 5th ed. Qom: Islamic ethics; 1380. p.40.
20. Ja'far Tabrīzī M. Interpretation and Analysis of Masnavi. 12th ed. Tehran: Eslame; 1373. Vol.2 p.828. [Persian]
21. Ibn Tavoos A. IQBAL Allamal. 2th ed. Tehran: Sema Galam; 1409. Vol.1 p.50. [Arabic]
22. Mulla Sadra M. Description of Usul al-Kafi. 1 th ed. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education; 1366. Vol.1 p.428. [Persian]
23. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.13 p.432.
24. Amodei A. Qorarol Al-Hekae and Dorrarol Al-kalam. Qom: Book Dar al-Islam; 1366. Vol.3 p.191. [Arabic]
25. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.9 p.559.
26. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.18 p.100.
27. Majlesi M. Beharalanvar. 2th ed. Beirut: Institute Alvfa; 1982. Vol.13 p.328. [Arabic]
28. Majlesi M. Beharalanvar. Beirut: Institute of Enforceable; 1985. Vol.6 p.38. [Arabic]
29. Ibn Shobeh Harrane H. Thf Alqvl. 2th ed. Qom: International Publishing; 1404. p.75. [Arabic]
30. Majlesi M. Beharalanvar. Beirut: Institute of Enforceable; 1985. Vol.16 p.298.
31. Ibn Babveih M. Amalei Dissertation. 1th ed. Tehran: Eslamic Library; 1983. p.75. [Arabic]
32. Kuleini M. Kafei Minutiae. Tehran: Office Islamic culture; 1986. Vol.3 p.329. [Arabic]
33. Ibn Qutaybah A. Uyun All Akhbar. Beirut: Daralktb Allmyh; 1418. Vol.2 p.24. [Arabic]
34. Naraqi M. Comprehensive Alsadat. Beirut: Institute Llmtbvat Alalmy. p.202. [Persian]
35. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.3 p.286.
36. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.17 p.592.
37. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.10 p.133.
38. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.4 p.102.
39. Kuleini M. Kafei Minutiae. Tehran: Office Islamic Culture; 1987. Vol.2 p.71.

40. Toosei M. Alamalei. Qom: Dar Alseghafeh; 1993. p.81. [Arabic]
41. Tabatabaei M. Al-Mizan. Translated by Mousavi Hamadani, Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.16 p.431.
42. Majlesi M. Beharalanvar. Beirut: Institute of Enforceable; 1985. Vol.75 p.336.
43. Feize Kashani M. Translation of al-Bayda clear way Almhjh. Mashhad: ASTAN Srazavi; 1379. Vol.7 p.5.
44. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.18 p.89.
45. Kuleini M. Kafei Minutiae. Tehran: OfficeIslamicculture. 2th ed. 1987. Vol.2 p.305.
46. Ibn Shobeh Harrane H. Thf Alqv. 12th ed. Qom: International Publishing; 1404. p.24.
47. Feize Kashani M. Translation of al-Bayda clear way Almhjh. Mashhad: ASTAN Srazavi; 1379. Vol.7 p. 107.
48. Toosei M. Alamalei. Qom: Android Conductor; 1388. p.81. [Arabic]
49. Naraqi M. Comprehensive Alsadat. Beirut: Institute Llmtbvat Alalmy. p.415.
50. Shoobbar A. Ethics faucets. 14th ed. Qom: Publications Hgvat; 1378. p.445.
51. Ayashe M. Book Altfsyr. 1th ed. Tehran: Eslame; 1380. Vol.2 p.124.
52. Kuleini M. Kafei Minutiae. 2th ed. Tehran: Office Islamic Culture; 1987. Vol.6 p.453.
53. Majlesi M. Beharalanvar. Beirut: Institute of Enforceable; 1985. Vol.1 p.324.
54. Tabatabaei M. Al-Mizan. Qom: Publications Office of Qom; 1996. Vol.19 p.295.
55. Haqqe Boorosave A. The interpretation of the spirit of Bayan. 1th ed. Beirut: DarAlfekr. Vol.6 p.347.